اشاره

رونمایی از حقایق تکان دهنده‌ی تاریخ مطبوعات ایران که پی‌رنگ اصلی آن، لایه‌های پنهان و زوایای کمتر دیده‌شده‌ی افراد و جریان‌های سیاسی را شامل می‌شود؛ محوریت این پژوهش تاریخی است. رویکردی روشمند و مستند که نویسنده با ارجاعات فراوان تاریخی و سیاسی کوشیده است مخاطب را به شکل چهره به چهره با حقیقت درگیر کند.

این رساله پیرامون یکی از سرشناس‌ترین کارگزاران مطبوعات در ایران نوشته شده و در آن زندگی و حرفه‌ی دکتر علی بهزادی بازخوانی شده‌است. اثر حاضر کوشیده‌است با کاوش در متون معتبر تاریخی به افشای تفکرات لیبرال سرمایه‌داری غرب در مطبوعات عصر پهلوی پرداخته و مختصاتی دقیق از محل تلاقی قدرت و مطبوعات را ترسیم نماید.

خوانندگان صفحه پاورقی روزنامه «کیهان» پیش از این از سیدعلی ابراهیمی «نیمه پنهان جهانگیر بهروز» را با عنوان «جاسوس بدون مرز» در سال ۱۳۹۱ خوانده‌اند.

***

نیمهٔ‌پنهان

سیمای کارگزاران مطبوعات

۲۷۲۶

تالیف: سید علی ابراهیمی

علی بهزادی - ۱

روزنامه‌نگار ماسون

*** علی بهزادی به عنوان فردی که از اوان جوانی و دوران دانشجویی با محافل فراماسونری در ارتباط بود و به صورت رسمی در لژ «کوروش» عضویت داشت یک سال قبل از کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲به دستور عموی فراماسونر خود به ایران آمد. مدت کوتاهی را در روزنامه خورشید ایران گذراند و این بار نیز طبق نظر عیسی بهزادی از خورشید ایران جدا شد و به‌عنوان یک فراماسون جوان به‌خدمت محمدعلی مسعودی درآمد.**

رشت تا پاریس

علی بهزادی، فروردین ماه سال ۱۳۰۴در شهرستان رشت به دنیا آمد؛[۱] سالی که رضاخان سردار سپه با برکناری احمدشاه قاجاربه سلطنت رسید.او فرزند سوم خانواده‌ای نظامی و از طبقه خرده مالکین روستای پسیخان بود. پدرش غلام‌حسین، رئیس پلیس رشت بود و با درجه سرهنگی بازنشسته شد و مادرش بتول،زنی خانه‌دار بود.[۲] او تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در شهرهای کاشان، اراک، ارومیه و رشت سپری کرد و درسال ۱۳۲۸از دانشکده حقوق، علوم‌سیاسی و اقتصاد دانشگاه تهران لیسانس علوم سیاسی گرفت.[۳]

بهزادی پس ازازدواج با دختر عموی خود بهین‌دخت، در بهمن ۱۳۲۸ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت.[۴] اردیبهشت ماه سه سال بعد از دانشگاه پاریس دکترای حقوق گرفت[۵] و پایان‌نامه خود را به موضوع نفت ایران اختصاص داد.[۶] در پاریس بود که با رانتِ دوستان و خویشاوندان بانفوذی که پدرش داشت از دوره سربازی معاف شد.[۷] این موضوع باعث شد تا بهزادی به شهر دانشگاهی «رن»(Rennes) در غرب فرانسه رفته و در دوره دکترای تاریخ نام نویسی کند.[۸] آن روزها فرزندان ذکور هزار فامیل ایران، به هزار و یک حیله و نیرنگ دست می‌زدند تا به هر قیمت که شده از سربازی فرار کنند.[۹] وی هم‌زمان به کلاس‌های روزنامه‌نویسی نیز می‌رفت.[۱۰] در این بین بنا به توصیه عمویش،[۱۱] دکترای دوم و دوره روزنامه نویسی را نیمه‌کاره رها کرد و برای مأموریت مهم‌تری به ایران بازگشت.[۱۲] بهزادی ورودش به ایران را چنین روایت می‌کند:

پدرم با ادامه تحصیل من موافق بود. همسرم که در اثر وقایع جنگ کُره و محاصره معروف برلین به‌وسیله شوروی‌ها و احتمال شروع جنگ جهانی سوم به ایران برگشته بود، راضی بود که من مدتی دیگر در فرانسه بمانم ولی عمو و پدر زن من آقای «عیسی بهزادی» که در ضمن بزرگ خانواده بود، اعتقادی به گرفتن یک درجه دکتری دیگری نداشت. او می‌گفت هرچه زودتر برگردی، شانست برای به دست‌آوردن شغل بهتر، بیشتر خواهد بود... وسوسه به دست‌آوردن کار خوب باعث شد سریع‌تر از آنچه تصور می‌شد به وطن بازگردم.[۱۳]

علی بهزادی با مدرک دکترای حقوق در سال ۱۳۳۱ و اوج ملی شدن صنعت نفت به ایران آمد و تنها فکری که به ذهنش خطور نکرد، بازکردن یک دفتر وکالت بود. اوپس از ورود به ایران تلاش برای راه‌یابی به کانون‌های قدرت را آغاز کرد و یکراست به سراغ مطبوعات رفت.

مظنونین همیشگی

در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ که دهه اول پادشاهی محمدرضاپهلوی به حساب می‌آمد نزدیک به پانزده نخست وزیر عوض شد. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۴، مبارزات ضد امپریالیستی و جنبش‌های استقلال طلب در سراسر دنیا در حال شکل گیری بود و در ایران نیز نگاه ملی‌گرایانه جایگاه ویژه‌ای در سیاست پیدا کرد. تأثیر تحولات بین‌الملل و ادامه نابسامانی‌های داخلی می‌رفت تا بنیان سلطنت پهلوی‌ها را به باد دهد. درک این شرایط حساس برای سرویس‌های جاسوسی غرب دشوار نبود. آن‌ها هم‌زمان دو پروژه را دنبال می‌کردند. انحراف گرایش‌های مردمی و «فروپاشی ایدئولوژیکِ» کشورهای جهان سوم. در این شطرنج، حرکتِ پیاده نظام، شروع مناسبی بود. اواسط سال ۱۳۳۱ شبکه مرموز فراماسونری تصمیم گرفت تا مهندسی افکار عمومی در ایران را در اختیار بگیرد و از معبر رسانه‌های جمعی نظیر مطبوعات، به مخالفت با ملی‌کردن صنعت نفت و انزوای رهبران روحانی نهضت، نظیر آیت‌اله کاشانی بپردازد.[۱۴] مأموریت جدیدی کلید خورد و چاپ مجلات سیطری گرفته شود و نشریات در دستور کار ماسون‌ها قرار گرفت.

علی بهزادی به عنوان فردی که از اوان جوانی و دوران دانشجویی با محافل فراماسونری در ارتباط بود و به صورت رسمی در لژ «کوروش» عضویت داشت[۱۵] یک سال قبل از کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲به دستور عموی فراماسونر خود به ایران آمد. مدت کوتاهی را در روزنامه خورشید ایران گذراند و این بار نیز طبق نظر عیسی بهزادی از خورشید ایران جدا شد و به‌عنوان یک فراماسون جوان به‌خدمت محمدعلی مسعودی[۱۶] درآمد.[۱۷] آوازه بدنامی‌های محمدعلی مسعودی مثنوی هفتاد من کاغذ است، لیکن بهزادی در توجیه این همکاری می‌نویسد:

یک روز عمویم به من گفت: امروز محمدعلی‌خان مسعودی را دیدم. با عمویش عباس مسعودی به هم زده‌اند و از اطلاعات بیرون آمده. می‌خواهد یک روزنامه یومیه منتشر کند. امتیاز روزنامه را هم گرفته... باتوجه به اینکه بیکاری مرا آزار می‌داد و از طرفی همیشه اعتقاد داشتم انسان اگر خودش بخواهد در هر شرایطی می‌تواند سالم بماند، تصمیم گرفتم پیشنهاد عمویم را بپذیرم و کار با محمدعلی مسعودی را شروع کنم.[۱۸] عموی من که مردی فعال و پشتکاردار بود، سه روزه چاپخانه‌ای را پیدا کرد که محمدعلی‌خان با تمام مشکل‌پسندی نتوانست آن را رد کند. چاپخانه‌ای که انتخاب شده بود، چاپخانه «چهر» در خیابان شاه‌آباد بود.[۱۹]

طبق توافق، علی بهزادی مدیرعامل چاپخانه شد و محمدعلی مسعودی رئیس هیات مدیره.[۲۰] بهزادی‌ها برای اینکه از حمایت و نفوذ مسعودی برخوردار شوند بخشی از سهام چاپخانه را به او واگذار کردند و نام چاپخانه را شرکت سهامی چاپ «مسعود سعد» گذاشتند.[۲۱] آشنایی و ارتباط با محمدعلی مسعودی، پلکان صعودی بود که بهزادی جوان را به دربار و محافل قدرت وصل می‌کرد؛ از این رو نیاز مبرمی به حمایت و سطح ارتباطات وی داشت.

بلند پروازی‌ها و جاه‌طلبی‌های دکتر بهزادی در مدیریت یک چاپخانه خلاصه نشد. او مأموریت ویژه‌ای را آغاز کرده‌بود و می‌بایست خیلی زود ابزار و زیرساخت‌های لازم برای آن را فراهم سازد. بهزادی پس‌از مدتی تصمیم گرفت شخصاً برای چاپ نشریه درخواست امتیاز کند.[۲۲]

پانوشتها:

[۱] - مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک(کتاب چهارم). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ص۱۷.

[۲] - پیشین.

[۳] - بهزادی، علی. شبه خاطرات، جلد اول، انتشارات زرین،۱۳۷۵.

[۴] - مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک(کتاب چهارم). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ص ۱۸.

[۵] - پیشین، بخش مربوط به اسناد ساواک بر حسب تاریخ، ص۴.

[۶] - بهزادی، علی.نویسنده شبه خاطرات و ناشر سپید و سیاه، از: http://bookz۲۰۲۵۱/mihanblog.com/post.

[۷] - بهزادی، علی. مجله خواندنی‌ها، مقاله «خاطره نخستین و آخرین دیدار با پدر»، شماره ۳۷، بهمن ۱۳۵۰.

[۸] - مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک(کتاب چهارم). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ص۱۸.

[۹] - میلانی، عباس.معمای هویدا، نشر آتیه، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶.

[۱۰] - مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک(کتاب چهارم). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ص۱۸.

[۱۱] - عیسی بهزادی معروف به سلطان آجر ایران، از فراماسونرهای کهنه‌کار و قدیمی است که سلسله مراتب و درجات مختلف ماسونی را پشت سر گذاشته و صاحب عنوان «برادر بسیار محترم» بود. این عنوان تنها یک درجه پایین‌تر از لقب «استاد اعظم و سرپرست کل ناحیه ایران» است. او از طرق گوناگون با کانون های قدرت و محافل تحت نفوذ بیگانگان، بویژه با مجامع مرتبط با آژانس های اطلاعاتی و جاسوسی انگلستان و آمریکا ارتباط بسیار نزدیک و عمدتا مستقیم داشت.نام عیسی بهزادی به‌عنوان عضو مؤسس بسیاری از لژهای موجود در ایران از جمله لژهای مولوی، بوعلی‌سینا و سعدی دیده می‌شود. وی همچنین در شمار سی نفر مؤسس کلوپ صهیونیستی روتاری تهران بود. در میان سازمان‌های فراماسونری چهار لژ به صورت کاملاً مخفی فعالیت می‌کردند که اکثر اعضای این لژها را خارجیانِ سیاستگذار فعالیت لژهای موجود در ایران تشکیل می‌دادند. اسماعیل رایین در جلد سوم کتاب «فراموشخانه و فراماسونری در ایران» می‌نویسد: عیسی بهزادی در تمام این چهار لژ عضویت داشت و از مقامات طراز اول و به اصطلاح ماسون‌ها جزو «سالاران» این لژها بود. سازمان اطلاعات و امنیت رژیم پهلوی نیز درخصوص او می‌نویسد: «عیسی بهزادی از جمله کسانی بوده که در شکل‌گیری و رشد مجدد فراماسونری- از سال ۱۳۳۰ به بعد- نقش بسزایی داشته است.» ساواک سخنرانی وی را در انجمن رازی چنین ثبت کرده است: «اینجا که هم‌اکنون در آن نشسته‌اید به مبلغ ۲۰۰ هزار تومان خریداری کرده‌ام و با تهیه این مکان بود که ماسون‌ها تدریجاً جمع شدند و ما توانستیم از نو ماسونی را نُضج دهیم تا اینکه پنج نفر من‌جمله بنده به خارج رفتیم و سه نفر ما استاد شدیم.»

[۱۲] - مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک(کتاب چهارم). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ص۱۸.

[۱۳] - بهزادی، علی. شبه خاطرات، جلد اول، انتشارات زرین،۱۳۷۵، ص ۵۵۷.

[۱۴] - روزنامه کیهان، ۱۶ آذر ۱۳۸۵. شماره ۱۸۶۸۴.

[۱۵] - رایین، اسماعیل.فراموشخانه و فراماسونری در ایران، جلد سوم، ص ۲۸۸.

[۱۶] - محمدعلی مسعودی از عوامل اصلی کودتای ۲۸ مرداد و عضوشبکه فراماسونری در ایران بود که در لژ «کورش»عضویت داشت. وی تخصص عجیبی درصندوق‌سازی رأی انتخابات و بیرون آوردن اسامی افراد مورد نظر رژیم از صندوق‌ها داشت.او با دوستان زیادی که در میان لومپن‌ها، بزن بهادرها و میدان‌دارها جمع کرده‌بود به قلع و قمع مخالفان‌حکومت می‌پرداخت. از دوره پانزدهم به عنوان نماینده وارد مجلس شورا شد و در دوره‌های ۱۶، ۱۸ و ۱۹ نیز برای خود عنوان نمایندگی مردم فیروزکوه و دماوند را دست و پا کرد و در دوره بیستم از طریق حزب ملیون دکتر منوچهر اقبال از تهران به مجلس راه یافت. مسعودی در روز کودتا ی۲۸ مرداد در حصارک و در کنار استخر با «کرومیت روزولت» رییس بخش آسیا- خاور نزدیک CIAو «سرلشکر زاهدی» اوضاع را زیر نظر داشت و از کودتاگران حمایت می‌کرد. در ماجرای تشکیل مجلس مؤسسان و الحاق ماده ۴۸ به متمم قانون اساسی که اختیار انحلال مجلسین را به شاه می‌داد، نقش بسیار مهم و مؤثری ایفا کرد و در کنار دیگر عناصر فراماسونر چون عبدالحسین اورنگ، دکتر احمد هومن، اسد الله علم، سید مهدی براسته، عبد الرحمن فرامرزی و دکتر مصباح‌زاده در جهت تقویت موقعیت شاه به تلاش و تکاپو پرداخت. در سال‌های پایانی سلطنت محمدرضا به‌عنوان سناتور انتصابی شاه وارد مجلس سنا شد. اما دیری نپایید که با اوج‌گیری انقلاب اسلامی به همراه مبلغ چهارصد و پنجاه میلیون تومان وجه نقد از کشور فرار کرد. او در کاستاریکا با هژبر یزدانی به کار دامداری مشغول شد و پس از مدتی به کانادا رفت. در نهایت به دلیل بیماری فراموشی در یکی از خیابان‌های شهر «ونکور» با خودرویی تصادف کرد و مُرد. برای مطالعه بیشتر نک به:

الف)مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک(کتاب چهارم). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ص ۲۹۳.

ب)کتابیست - محمدعلی مسعودی روزنامه نگار سیاست پیشه از: http://bookz۲۰۲۶۷/mihanblog.com/post.

[۱۷] - مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک(کتاب چهارم). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ص۱۹.

[۱۸] - پیشین.

[۱۹] - بهزادی، علی.شبه خاطرات، جلد اول، انتشارات زرین، ۱۳۷۵، ص ۵۵۷.

[۲۰] - مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک(کتاب چهارم). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ص۱۹.

[۲۱] - پیشین.

[۲۲] - پیشین.

نیمهٔ‌پنهان

۱۳۳

ردپای ۶۰ سال خیانت و جنایت

۲۷۲۵

تالیف: کامران غضنفری

نهضت آزادی در خدمت آمریکا

روایتی مستند از دخالت‌ها و جنایات آمریکا در ایران ۱۳۳۲-۱۳۹۲

نهضت آزادی و آمریکا

نهضت آزادی، تشکیلاتی بود که از بدو اعلام موجودیت، با آمریکا در ارتباط بود. مهندس بازرگان در این مورد می‌گوید:

«پایه گذاران و اعضاء و علاقه مندان به نهضت آزادی ایران و نهضت مقاومت ملی، نه تنها با آمریکا بلکه با بعضی از کشورهای اروپا و نیز با دولت وقت [در رژیم شاه] ارتباط‌های کم و بیش پنهانی داشته‌اند ».[۱] یکی از کسانی که برخی از اعضای نهضت آزادی از دهه ۱۳۳۰ با وی در تماس بوده اند، ریچارد کاتم، مأمور سازمان سیا، بوده است .[۲] در یک گزارش سرّی سفارت آمریکا به تاریخ ۳۰ ماه می۱۹۷۸، با اشاره به ملاقات مهندس بازرگان و محمد توسلی ـ با نام مستعار توکلی ـ با جان استمپل عنصر اطلاعاتی بخش سیاسی سفارت آمریکا، در مورد دادن اطلاعات به ریچارد کاتم از سوی نهضت آزادی، چنین آمده : « توکلی اشاره کرد زمانی که ریچارد کاتم کارمند وزارت خارجه بود، نهضت آزادی اطلاعات زیادی در اختیار او گذارد و هم چنان به این کار ادامه می‌دهد».[۳] همان گونه که ملاحظه می‌گردد، سران نهضت آزادی خود را موظف می‌دانند که اطلاعات کشور را در اختیار دولت آمریکا ـ در واقع سازمان سیا ـ قرار دهند.

*** البته آمریکایی ها کانال‌های اطلاعاتی متعددی در نهضت آزادی داشته اند. طبق مفاد سند سرّی ششم ژوئن ۱۹۷۸ (۱۶ خرداد ۱۳۵۷)، عنصر اطلاعاتی سفارت آمریکا اظهار می‌دارد که غیر از ارتباطی که از طریق محمد توسلی با نهضت آزادی دارند، با افراد دیگری نیز از نهضت آزادی در تماس هستند. خود مهندس بازرگان نیز حداقل سه نوبت در خرداد و تیر ماه ۱۳۵۷ به اتفاق مهندس توسلی در یک خانه شخصی در منطقه دروس شمیران، با جان استمپل ملاقات کرده و راجع به رویدادهای سیاسی با یکدیگر گفت و گو می‌کنند.**

طبق یک سند سرّی ساواک، مهندس بازرگان طی یک هفته‌ای که بعد از حادثه کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در بازداشت محترمانه فرمانداری نظامی بود، طی مصاحبه‌هایی که با سران ساواک داشته، در مورد سابقه ارتباط نهضت آزادی با آمریکایی ها اظهار می‌دارد: «در حدود سال‌های ۴۰ و ۴۱ شمسی، ما از طرف نهضت آزادی نامه‌ای تهیه و به منازل عده زیادی از آمریکائیان مقیم تهران انداختیم به مفهوم این که شما آمریکائیان در مملکت ما چه کار می‌کنید ؟ چه منافعی دارید؟ اگر پشتیبان مبارزات ملی هستید، چه نظری دارید ؟ بعد از مدتی از قرار معلوم نامه بدون امضایی به منزل اللهیار صالح انداخته بودند ؛ ولی معلوم بود که از سوی آمریکایی‌ها در جواب نامه مذکور است و مفهوم نامه این بود که شما رهبر قابل قبول و مورد اطمینانی ندارید تا حکومت را در دست بگیرد. اگر رهبر شایسته‌ای بین شما پیدا شد، مورد پشتیبانی ماست» .[۴] نخستین تماس رسمی نهضت آزادی و سفارت آمریکا در تهران، در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ در رستوران الچیکو در تهران انجام گرفت. در این ملاقات از طرف سفارت آمریکا، جان استمپل عنصر اطلاعاتی بخش سیاسی سفارت، و از طرف نهضت آزادی نیز محمد توسلی با نام مستعار توکلی و هم چنین بهرام بهرامیان ـ منبع اطلاعاتی سیا ـ حضور یافتند. طبق مفاد یک سند سرّی سفارت، این دو نفر در تاریخ سوم مهر ۵۷ نیز مجدداً با استمپل ملاقات می‌کنند. [۵] استمپل در یک گزارش به تاریخ ۲۳ آذر ۵۷ اشاره می‌کند که محمد توسلی» رابط رسمی «نهضت آزادی با سفارت است .[۶] البته آمریکایی ها کانال‌های اطلاعاتی متعددی در نهضت آزادی داشته اند. طبق مفاد سند سرّی ششم ژوئن ۱۹۷۸ (۱۶ خرداد ۱۳۵۷)، عنصر اطلاعاتی سفارت آمریکا اظهار می‌دارد که غیر از ارتباطی که از طریق محمد توسلی با نهضت آزادی دارند، با افراد دیگری نیز از نهضت آزادی در تماس هستند .[۷] خود مهندس بازرگان نیز حداقل سه نوبت در خرداد و تیر ماه ۱۳۵۷ به اتفاق مهندس توسلی در یک خانه شخصی در منطقه دروس شمیران، با جان استمپل ملاقات کرده و راجع به رویدادهای سیاسی با یکدیگر گفت و گو می‌کنند که در دو نوبت آن دکتر یدالله سحابی نیز حضور داشته است. [۸] مهندس بازرگان ملاقات‌هایی نیز با ویلیام سولیوان سفیر آمریکا در ایران، داشته است. سولیوان در کتاب خود به یکی از این ملاقات ها چنین اشاره می‌کند: «به یکی از مأموران سیاسی سفارت که با نهضت آزادی در تماس بود، دستور دادم که با مهدی بازرگان، رهبر این سازمان، تماس گرفته و به او اطلاع دهد که من آماده ملاقات با او درِ هر نقطه‌ای که مایل باشد، هستم. در اینجا باید توضیح بدهم که بازرگان قبلاً برای ملاقات با من اظهار علاقه کرده بود ؛ ولی در آن موقع دعوت او را نپذیرفته بودم ... وقتی که وارد خانه شدیم، بازرگان خلاصه‌ای از مذاکرات قبلی بین او و مأموران سیاسی سفارت را برای من تکرار کرد و گفت که خواهان ادامه همکاری و کمک نظامی آمریکا و حفظ قراردادهای موجود با آمریکا هستند. بازرگان می‌گفت که او از طرف نهضت آزادی ایران صحبت می‌کند».[۹] یعنی جناب بازرگان به آمریکایی ها اطمینان می‌داده که چنانچه به قدرت برسند، همچون رژیم شاه، منافع نامشروع آمریکا را در ایران حفظ خواهند کرد. بهرام بهرامیان نیز از اعضای اصلی نهضت آزادی و از دوستان نزدیک مهندس بازرگان بود. طبق یک سند سرّی سفارت آمریکا، بهرامیان در ماه ژوئن ۱۹۷۷ (خرداد ماه ۱۳۵۶) به عنوان منبع اطلاعاتی، به استخدام سازمان سیا در می‌آید. کد رمز بهرامیان در سازمان سیا «اس.دی.ارن/۱ «بوده است .[۱۰] وی تا مدتی از پذیرفتن دستمزد امتناع می‌کند اما

محمد توسلی در کنار مهندس بازرگان

سرانجام در خرداد ماه ۱۳۵۷ یک یادداشت دریافت حقوق را می‌پذیرد که به موجب آن سازمان سیا پول یک بیمه عمر معادل صد هزار دلار و سالانه مبلغ پنج هزار دلار در یک حساب غیر مستقیم را بپردازد. در بخشی از این سند گفته شده : « در جریان بدتر شدن اوضاع سیاسی و امنیتی، او تبدیل به یک عامل مخفی حقوق بگیر تمام عیار شده است» .[۱۱] بهرامیان توسط سازمان سیا آموزش نامریی نویسی، ارتباطات پنهان و حفاظت را دیده بود و سیا به وی یک رادیوی مخابراتی MX -۳۵۰ داده بود. عمده گزارش‌های بهرامیان در مورد رهبری انقلاب، دولت موقت، شورای انقلاب، و روحانیت بوده که از اهمیت بسیار بالایی برای" سیا " برخوردار بوده اند. وی در حد فاصل دی ماه ۱۳۵۷ تا شهریور ۱۳۵۸، منبع ۶۷ گزارش اطلاعاتی برای سیا بوده است .[۱۲] در حمله‌ای که در تاریخ ۲۵ بهمن ۵۷ به سفارت آمریکا می‌شود، از سوی سازمان سیا با فرستنده رادیویی که در اختیار بهرامیان بوده، تماس گرفته می‌شود و به او موضوع مورد حمله قرار گرفتن سفارت اطلاع داده می‌شود. وی نیز از طریق تماس با دکتر ابراهیم یزدی، وی را از این ماجرا مطلع می‌گرداند .[۱۳] از دیگر سران و اعضای مهم نهضت آزادی که با سازمان سیا ارتباط داشته اند، می‌توان به دکتر ابراهیم یزدی و عباس امیر انتظام اشاره کرد. در بخش‌های بعدی در مورد این دو نفر به طور مشروح سخن خواهیم گفت. این لیبرال‌های التقاطی، به سفارت آمریکا در تهران چشم دوخته بودند و تحقق اهداف خود را در جلب توجه دولتمردان آمریکایی پیگیری می‌نمودند. نهضت آزادی در طول زمان بر اثر بی توجهی به ریشه‌های انحراف تئوریک، به تشکیلاتی تبدیل شد که عناصر منحرف و حتی دارای وابستگی تشکیلاتی به مراکز اطلاعاتی غرب، در آن حضور یافتند و در پناه تساهل و تسامح حاکم بر دیدگاه‌های لیبرالیستی و التقاطی عناصر اصلی این گروه و ساده اندیشی آن‌ها، به فعالیت بر ضد ملت مسلمان ایران مشغول شدند. [۱۴] ارتباطات نهضت آزادی با آمریکا، حتی پس از برکناری دولت موقت نیز همچنان ادامه یافت. بازرگان در تاریخ دوم اسفند ۵۸ در باره تداوم ارتباط با آمریکا می‌گوید :

« ما روابط دوستانه‌ای با آمریکا داشته ایم و آن را حفظ خواهیم کرد ».[۱۵]

منابع در دفتر روزنامه موجود است

فراخوان مناقصه

اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان قم در نظر دارد پروژه **عملیات نهالکاری و تکمیل سیستم آبیاری قطره‌ای پارک جنگلی ثامن‌الائمه به شماره مناقصه ۹۳/۶** را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی به پیمانکاران واجد شرایط در رشته کشاورزی پایه ۴ و به شرح زیر واگذار نماید.
علاقه‌مندان می‌توانند از تاریخ درج آگهی نوبت اول تا پایان وقت اداری مورخ ۹۳/۹/۲۳ و ارائه معرفی‌نامه اسناد مناقصه را از دبیرخانه اداره کل به آدرس ذیل دریافت نمایند.
۱- تضمین شرکت در مناقصه: به مبلغ ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (سیصد میلیون ریال) طبق آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی تهیه و ارایه گردد.
۲- آخرین مهلت تحویل پیشنهادها: پایان وقت اداری مورخ ۹۳/۱۰/۳ و گشایش پیشنهادها در ساعت ۹ صبح مورخ ۹۳/۱۰/۴ می‌باشد.
۳- برآورد اولیه: ۱۶،۷۵۱،۱۰۱،۸۱۲ ریال و بر مبنای فهرست بهای رشته کشاورزی و منابع طبیعی و فهرست بهای آبیاری تحت فشار سال ۱۳۹۳ می‌باشد.
۴- مدت اعتبار پیشنهادها: ۳ ماه از تاریخ آخرین مهلت تحویل پیشنهادها است.
۵- محل دریافت اسناد: قم- جاده قدیم اصفهان- جنب بوستان علوی- تلفن کارفرما: **۳۲۸۵۸۵۰۰-۵**
۶- محل تحویل و گشایش پیشنهادها: اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان قم به نشانی جاده قدیم اصفهان- جنب بوستان علوی با کد پستی ۳۷۱۶۱۵۳۱۱۴ می‌باشد.

آگهی تاسیس شرکت امیرسفر الوند سهامی خاص

خلاصه اظهارنامه و اساسنامه شرکت فوق که درتاریخ ۹۳/۹/۱۰تحت شماره ۲۱۵۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۵۸۴۵۵۶ در این اداره به ثبت رسیده و درتاریخ ۹۳/۹/۱۰ از لحاظ امضاء ذیل تکمیل گردیده برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی وکثیرالانتشار آگهی می‌شود:
۱- موضوع شرکت: الف- ارایه خدمات به زائرین اماکن متبرکه درمسافرت‌های زیارتی با رعایت شیوه نامه دستورالعمل‌های سازمان حج و زیارت ب- اجاره ناوگان‌های مسافرتی هوایی، زمینی، دریایی و شرکت‌های ذیربط به منظور سرویس‌دهی به کاروانهای مورد نظر ج- اجاره هتل و محل‌های اقامتی به منظور اسکان زائرین در محل‌های مجاز. (لازم به ذکر است ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد.) ۲- مدت شرکت از تاریخ ثبت به مدت نامحدود می‌باشد. ۳- مرکز اصلی شرکت: الوند بلوار معلم نبش کوچه ۱۷ پلاک ۲۵کدپستی ۳۴۳۱۸۴۶۴۴۵ ۴-سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال منقسم به یکهزار سهم یکهزار ریالی با نام که مبلغ ۳۵۰۰۰۰ ریال آن طی گواهی شماره ۳۳۳۸۶۶ مورخ ۹۳/۹/۳بانک ملت شعبه سعدی شمالی قزوین پرداخت و بقیه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد. ۵- اولین مدیران شرکت: آقای آیت‌اله گودرزوند چگینی با کدملی ۴۳۲۰۹۵۸۴۹۷ به سمت مدیرعامل و [illegible]

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان البرز- عسگری

رونوشت آگهی حصر وراثت

[illegible]

قاضی شعبه سوم شورای حل اختلاف شهر بوئین زهرا

شناسنامه ماشین پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۸ به رنگ نقره‌ای به نام خلیفه بحری فرزند احمد به شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۷۲۳۴۴ و شماره شاسی ۵۳۹۲۱۴ به شماره انتظامی ۹۴-۴۳۲ج۳۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی فراخوان عمومی

نوبت اول

شهرداری بندر گروگ در نظر دارد باستناد آیین‌نامه ارجاع کار به پیمانکاران مصوب هیئت محترم وزیران به شماره ۶۳۰۰۷/ت ۲۳۳۳۱ مورخه ۸۱/۱۲/۱۹ و مصوبه شماره ۷۵ مورخه ۹۳/۹/۱۳ شورای اسلامی شهر بندر گروگ جهت **اجرای پروژه عمرانی احداث بلوار ورودی شهر گروگ مشتمل بر زیرسازی، جدول‌گذاری و احداث دو دهنه پل و آسفالت** با اعتبار ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال را به پیمانکاران تعیین صلاحیت معاونت برنامه‌ریزی استانداری در رشته راه و ابنیه که دارای ظرفیت آماده به کار متناسب با برآورد پروژه می باشد جهت بررسی مدارک و ارزیابی فراخوان پیمانکاران جهت تحویل اسناد ارزیابی توان اجرای کار (از جمله سابقه کار اجرایی- اساسنامه- تجهیزات و ماشین‌آلات- تعداد کارکنان و توانایی مالی و پشتیبانی و...) و دریافت اسناد فراخوان از تاریخ انتشار آگهی حداکثر تا تاریخ ۹۳/۹/۳۰ به دفتر فنی شهرداری بندر گروگ مراجعه نمایند.

روابط عمومی شهرداری بندر گروگ

تاسیس موسسه غیرتجاری خیریه حضرت امیر (ع) مسجدالزهرای ملک شهر

در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱۸ به شماره ثبت ۴۱۱۶ به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۳۷۵۵۹۸ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.
۱- موضوع موسسه: ثبت موضوع ذیل به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد. کمک‌های عام المنفعه و رسیدگی و حل مشکلات مادی خانواده‌های بی‌بضاعت بر حسب توان خیریه، کمک جهت تهیه جهیزیه جوانان و تسهیل در امور ازدواج جوانان کم‌بضاعت، کمک جهت درمان و تهیه دارو به خانواده‌های بی‌بضاعت،افزایش سطح امور فرهنگی مذهبی خانواده‌های تحت پوشش پس از کسب مجوزهای لازم. ۲- مدت موسسه: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود ۳- مرکز اصلی موسسه: اصفهان ملک شهر خ آزادگان ک گلها هشت متری طالقانی مسجدالزهرا(س) کدپستی ۸۱۹۶۶۸۶۸۴۹ ۴- سرمایه موسسه: مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که توسط هیئت موسس تماما پرداخت شده است. ۵- اولین مدیران موسسه: عبدالرحیم شفیعی علویجه به شماره ملی ۱۲۸۷۷۱۵۴۴۳ به سمت رئیس هیئت مدیره، محمد پوردودی به کد ملی ۱۲۸۰۹۸۰۰۴۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، مجید قدیری قهدریجانی به کد ملی ۱۲۹۰۷۸۶۵۱۸ به سمت خزانه‌دار، حمیدرضا جواهری منش به کد ملی ۱۲۸۴۹۶۴۷۲۸ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و مرتضی علینقیان جوزدانی [illegible]

منصور آذری
رئیس اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری اصفهان

(آگهی مزایده اموال غیرمنقول مرحله اول)

[illegible]

مدیر دفتر شعبه دوم اجرای احکام مدنی دادگستری بوئین زهرا

دادخواست

خواهان‌ها پروین باقری و فریدون یغمایی و فرخ یغمایی و فریده یغمایی دادخواستی به طرفیت خواندگان هوشنگ خرمیان و هانیه نیکزاد عباس و کاظم حسنی و مهرداد طاهری و اداره ثبت اسناد گرمسار و هیئت حل اختلاف ماده ۱۴۷ مستقر در اداره ثبت اسناد گرمسار به خواسته ابطال سند (موضوع سند مالی نیست) و تامین خواسته تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان گرمسار نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان گرمسار واقع در استان سمنان- گرمسار- بلوار شهید بهشتی- دادگستری شهرستان گرمسار- کدپستی ۳۵۸۱۷۵۱۱۵۷ تلفن: ۱۷-۳۴۲۲۴۸۱۶ (کد ۰۲۳) ارجاع و به کلاسه ۹۳۰۹۹۸۲۲۵۰۴۰۰۶۷۶ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۳/۱۰/۱۶ و ساعت ۱۱ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده مهرداد طاهری و کاظم حسنی و هانیه نیکزاد و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان گرمسار- شقاقی

۱۰۰۰م الف

ابلاغ وقت رسیدگی

شماره ابلاغیه: ۹۳۱۰۱۰۶۱۱۰۹۰۴۹۷۹
شماره بایگانی شعبه:۹۳۰۴۵۴
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۳/۹/۱۲

خواهان صغری شهبازی دادخواستی به طرفیت **خواندگان شاهرخ نورمحمدی آبادچی و آزاده نورمحمدی آبادچی** به خواسته مطالبه خسارت تاخیر تادیه و استرداد مال (منقول) تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان اهواز نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۶ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اهواز واقع در استان خوزستان- شهرستان اهواز- انتهای عامری- اول نیوسایـد- مجتمع قضایی شهید تندگویان (انرژی) ارجاع و به کلاسه ۹۳۰۹۹۸۶۱۱۰۹۰۰۴۲۳ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ و ساعت ۹ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه ششم دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان اهواز- سراج‌زاده

ابلاغ وقت رسیدگی

آقای حسین خراسانی محمدآبادی شکایتی دایر بر فروش مال غیر (محصول کشاورزی بلال) علیه هوشنگ شهسواری تقدیم این شعبه نموده که پرونده ایشان به شعبه دوم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب بوئین‌زهرا ارجاع و به کلاسه ۹۳۱۲۸۵ در این شعبه به ثبت رسیده است. لذا با توجه به معلوم نبودن محل اقامت و عدم دسترسی به متهم و به تجویز ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، متهم به مدت یک ماه پس از انتشار این آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی مهلت خواهد داشت تا با حضور در این شعبه از خود دفاع نماید، در غیر این صورت به پرونده ایشان مطابق مقررات در شعبه دوم دادیاری رسیدگی و قرار غیابی صادر خواهد شد.

مدیر دفتر شعبه دوم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان بوئین‌زهرا- تقی صالحی

فراخوان مناقصه

نوبت اول

اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان قم در نظر دارد پروژه **عملیات آبخیزداری در حوزه سد [illegible] به شماره ۹۳/۷** را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکاران واجد شرایط در رشته آب پایه ۵ و به شرح زیر واگذار نماید.
علاقه‌مندان می‌توانند از تاریخ درج آگهی نوبت اول تا پایان وقت اداری مورخ ۹۳/۹/۲۴ و ارائه معرفی‌نامه اسناد مناقصه را از دبیرخانه اداره کل دریافت نمایند.
۱- تضمین شرکت در مناقصه: به مبلغ ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (یکصد میلیون ریال) طبق آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی تهیه و ارایه گردد.
۲- آخرین مهلت تحویل پیشنهادها: پایان وقت اداری مورخ ۹۳/۱۰/۴ و گشایش پیشنهادها در ساعت ۹ صبح مورخ ۹۳/۱۰/۶ می‌باشد.
۳- برآورد اولیه: ۴/۳۰۶/۹۶۸/۱۰۹ ریال و بر مبنای فهرست بهای رشته کشاورزی و منابع طبیعی سال ۱۳۹۳ می‌باشد.
۴- مدت اعتبار پیشنهادها: ۳ ماه از تاریخ آخرین مهلت تحویل پیشنهادها است.
۵- محل دریافت اسناد، تحویل و گشایش پیشنهادها: اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان قم به نشانی جاده قدیم اصفهان- جنب بوستان علوی با کدپستی ۳۷۱۶۱۵۳۱۱۴ می‌باشد.

دادخواست

خواهان‌ها پروین باقری و فرخ یغمایی و فریده یغمایی و فریدون یغمایی دادخواستی به طرفیت خواندگان هوشنگ خرمیان و اداره ثبت اسناد و املاک گرمسار و هیئت حل اختلاف ماده ۱۴۷ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک و محمد فیصلی و کاظم فیصلی و علی تفکری به خواسته ابطال سند رسمی و خلع ید تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان گرمسار نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان گرمسار واقع در استان سمنان- گرمسار- بلوار شهید بهشتی- دادگستری شهرستان گرمسار- کدپستی ۳۵۸۱۷۵۱۱۵۷ تلفن: ۱۷-۳۴۲۲۴۸۱۶ (کد ۰۲۳) ارجاع و به کلاسه ۹۳۰۹۹۸۲۲۵۰۴۰۰۶۴۶ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۳/۱۰/۱۶ و ساعت ۱۰ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده محمد فیصلی و کاظم فیصلی و علی تفکری و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان گرمسار

۹۹۹ م الف **شقاقی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۳۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۹۰۲۳ مورخه ۱۳۹۳/۸/۸ کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۲۴۹ هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدحسین رحیملو فرزند نوراله بشماره شناسنامه ۵ کد ملی ۵۳۸۹۷۱۸۶۹۰ صادره از آوج در سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۲۰/۰۸ مترمربع باقیمانده پلاک ۵ اصلی واقع در بخش ۵ قزوین خریداری از مالک رسمی آقایان محمدعلی نجفی، عباس نجفی و احمد نوروزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۳/۹/۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۳/۹/۱۷

حسن غلامحسینی- رئیس ثبت اسناد و املاک قزوین

شماره نامه: ۹۳۱۰۱۱۶۱۳۲۹۰۱۲۵۲
شماره بایگانی شعبه: ۹۳۰۴۷۲
تاریخ تنظیم: ۹۳/۹/۸

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی وفق ماده ۱۱۵

بدینوسیله به تیمور باتمانی مجهول‌المکان اخطار و ابلاغ میگردد شکواییه‌ای مبنی بر اخلال در امر حمل و نقل کالا به دفتر شعبه [illegible]

مدیر دفتر شعبه ۱۰۳ جزائی دادگاه عمومی بندر امام‌خمینی(ره) - پاد

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود ایوان خانه طراحان شمس خراسان

[illegible]

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه [illegible] مشهد- محمد اسماعیل ذاکری

دادخواست

خواهان پروین باقری دادخواستی به طرفیت خواندگان مجید دهرویه و هیئت حل اختلاف ماده ۱۴۷ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک و اداره ثبت اسناد و املاک گرمسار و هوشنگ خرمیان به خواسته ابطال سند (موضوع سند مالی نیست) و خلع ید تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان گرمسار نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان گرمسار واقع در استان سمنان- گرمسار- بلوار شهید بهشتی- دادگستری شهرستان گرمسار- کدپستی ۳۵۸۱۷۵۱۱۵۷ تلفن: ۱۷-۳۴۲۲۴۸۱۶ (کد ۰۲۳) ارجاع و به کلاسه ۹۳۰۹۹۸۲۲۵۰۴۰۰۶۹۷ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ و ساعت ۱۲ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده مجید دهرویه و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان گرمسار

۹۹۸ م الف **شقاقی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۳۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۹۰۲۴ مورخه ۱۳۹۳/۸/۸ کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۲۴۸ هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بهروز رحیملو فرزند محمدحسین بشماره شناسنامه ۸۶ کد ملی ۴۳۲۲۴۶۷۹۸۶۱ صادره از قزوین در سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۲۰/۰۸ مترمربع باقیمانده پلاک ۵ اصلی واقع در بخش ۵ قزوین خریداری از مالک رسمی آقایان محمدعلی نجفی، عباس نجفی و احمد نوروزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۳/۹/۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۳/۹/۱۷

حسن غلامحسینی- رئیس ثبت اسناد و املاک قزوین

رونوشت آگهی حصر وراثت

خانم معصومه نجفی فرزند مهدی دارای شناسنامه شماره ۹۱۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۳۰۴۶۸ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ابوالقاسم دروگران فرزند علی‌حسین به شناسنامه ۷۰۶ در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۴ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه آن مرحوم حین‌الفوت منحصر است به:
۱- حمیدرضا دروگران ش‌ش ۱۱۷ پسر ۲- سعید دروگران ش‌ش ۳۷۴ پسر ۳- امید دروگران ش‌ش ۱۳۳ پسر ۴- حمیده دروگران ش‌ش ۱۱۴ دختر ۵- فریده دروگران ش‌ش ۹۱ دختر ۶- فاطمه دروگران ش‌ش ۴۳۱۰۶۴۲۸۹۶ دختر ۷- معصومه نجفی ش‌ش ۹۱۹ همسر
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۱۵ شورای حل اختلاف شهر قزوین

آگهی ابلاغ اجرائیه

محکوم‌له: راضیه ملاعلیا فرزند علی نشانی: قزوین فلکه گلها جنب مخابرات رسالت مجتمع کارکنان زندان واحد۷ محکوم‌علیه: حسین زارعی مجهول‌المکان- بموجب درخواست اجرای حکم مربوط به شماره ۹۳۱۰۰۹۲۸۲۲۱۰۰۱۰۳ و شماره دادنامه مربوطه ۹۳۰۰۹۹۷۷۲۸۲۲۱۰۰۲۳۲ محکوم علیه محکوم است به حضور در یکی از دفاتر اسناد رسمی و تنظیم سند رسمی امتیاز تلفن همراه به شماره ۰۹۱۲۳۷۷۵۸۴۰ به نام محکوم‌له و نیم عشر دولتی در حق اجرا، لذا مقرر است محکوم علیه ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی مفاد آن را به اجرا بگذارد.

شعبه ۱۱ شورای حل اختلاف شهرستان قزوین

زنان روز
شنبه‌ها (سراسر کشور)
اولین نشریه مخصوص بانوان با مطالب متنوع و خواندنی